

نگاهی به قوانین و سیاست‌های مهاجرتی در ایران و سایر کشورهای جهان

## زیر تیغ

پناهیوان در سراسر دیر هرساله چشم به تغییر قوانین مهاجرتی دارند؛ قوانینی که به آنها اجازه می‌دهد در میان ناآرامی‌ها نهایتاً جایی برای زندگی پیدا کنند یا عرصه را بر آنها تنگ می‌کند و جرایب جز آوارگی ندارند. انتحاطات‌ها و روی‌آرامن و نلرمدان و سیاست‌های متناوب موجب می‌شود مهاجران آمیدی به دل مهاجران ایجاد شود یا اندک امید آنها بر باد رود. در انگلستان که در روی‌آرامن درستی سوانگ، چندین سخته‌گیرانه مهاجرتی وضع شده ولی آلمان همچنان بهشت پناهیوان جهان است. کشورهایی چون ترکیه و یونان و قبرس هم گذرگاه‌های پرزگی از پناهیوان هستند و این رو قوانین رسمی برای پذیرایی یا دیورت پناهیوان اند.

**وضعیت پناهیوان در ایران چگونه است؟**

کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان یکی از مهترین نهادهای فعال در ایران در زمینه پناهیوان است. این کمیساریا پناهندها را چنین تعریف می‌کند: «پناهندگان افرادی هستند که به دلیل مناقشات یا آزار و اذیت به ناچار خانه‌های خود را ترک می‌کنند. در حقوق بین‌الملل تعریفی برای این افراد وجود دارد و آنها مورد حمایت هستند

## جبر جغرافیایی یک پناهنده

و نباید به محلی که زندگی و آزادی‌شان در خطر است بازگرداند شده یا اخراج شوند».
باید توجه شود که میان پناجو و پناهنده تفاوتی‌ای وجود دارد. پناهنده به شهروندان خارجی در یک کشور گفته می‌شود که مدارک اقامتی دریافت کرده‌اند و از سوی کشور میزبان به‌عنوان پناهنده پذیرفته شده‌اند. اما پناهیوان به دنبال راهی هستند تا پناهنده به حساب آیند. از این رو در ایران اختلاف فاحشی میان آمار رسمی پناهیوان و پناهنده‌ها وجود دارد. چراکه آمار رسمی بر مبنای درخواست پناهیوان برای پناهنده‌گان بوده است. پس از گذشت ۲۴ سال از حمله شوروی در سال ۱۳۷۹ میلادی و موج‌های بعدی خونونی، بی‌جانگی از افغانستان به عنوان طوفانی‌ترین وضعیت پناهندگان تحت پوشش کمیساریا ادامه دارد.
هرار نفر عراقی هستند. علاوه بر این تخمین زده می‌شود که حدود ۵۸۶ هزار نفر دارند. ۹۰ هزار تن پناهیوان افغانستانی از خارج از کشورشان بی‌جا شده‌اند که از این تعداد، ۹۰ هزار تن پناهیوان افغانستانی در پاکستان و ایران می‌زبان می‌شوند. پناهنده‌های افغانستانی در پاکستان هستند که بیش‌تر کارت آمایش دارند. در سال ۲۰۱۱ میلادی دولت ایران برنامه سرشماری از تمامی افغانستانی‌هاق فادک مدرک در ایران از حمله افرادی که به‌نازگی به دلیل تحولات افغانستن در ماه اگوست سال ۲۰۱۱ میلادی وارد ایران شده بودند.

انجام داد که در نتیجه آن اطلاعات حدود ۲٫۶ میلیون افغانستانی ثبت شده است. به گفته یاب توجع شود که میان پناجو و پناهنده تفاوتی‌ای وجود دارد. پناهنده به شهروندان خارجی در یک کشور گفته می‌شود که مدارک اقامتی دریافت کرده‌اند و از سوی کشور میزبان به‌عنوان پناهنده پذیرفته شده‌اند. اما پناهیوان به دنبال راهی هستند تا پناهنده به حساب آیند. از این رو در ایران اختلاف فاحشی میان آمار رسمی پناهیوان و پناهنده‌ها وجود دارد. چراکه آمار رسمی بر مبنای درخواست پناهیوان برای پناهنده‌گان بوده است. پس از گذشت ۲۴ سال از حمله شوروی در سال ۱۳۷۹ میلادی و موج‌های بعدی خونونی، بی‌جانگی از افغانستان به عنوان طوفانی‌ترین وضعیت پناهندگان تحت پوشش کمیساریا ادامه دارد.
هرار نفر عراقی هستند. علاوه بر این تخمین زده می‌شود که حدود ۵۸۶ هزار نفر دارند. ۹۰ هزار تن پناهیوان افغانستانی از خارج از کشورشان بی‌جا شده‌اند که از این تعداد، ۹۰ هزار تن پناهیوان افغانستانی در پاکستان و ایران می‌زبان می‌شوند. پناهنده‌های افغانستانی در پاکستان هستند که بیش‌تر کارت آمایش دارند. در سال ۲۰۱۱ میلادی دولت ایران برنامه سرشماری از تمامی افغانستانی‌هاق فادک مدرک در ایران از حمله افرادی که به‌نازگی به دلیل تحولات افغانستن در ماه اگوست سال ۲۰۱۱ میلادی وارد ایران شده بودند.

مانند کمپ و شهرک‌های حاشیه شهر نرفت و طبق آمار ۹۹ هزار درصد مهاجران افغانستانی دولت حدود ۵۰۰ هزار نفر افغانستانی فاقد مدرک در این برنامه شرکت نکردند. تخمین زده می‌شود از زمان تحولات ماه اگوست ۲۰۱۱ میلادی در مجموع یک میلیون افغانستانی وارد افغانستان شده که به موجب آن نیاز به حمایت بین‌المللی افزایش یافته است. ایران میزبان یکی از بزرگ‌ترین جمعیت‌های پناهنده شهری برای یکی از طوفانی‌ترین بازارهای زناشی در جهان است و به مدت چند دهه مأمی برای مهاجران پناهنده بوده است. پس از گذشت ۲۴ سال از حمله شوروی در سال ۱۳۷۹ میلادی و موج‌های بعدی خونونی، بی‌جانگی از افغانستان به عنوان طوفانی‌ترین وضعیت پناهندگان تحت پوشش کمیساریا ادامه دارد.
هرار نفر عراقی هستند. علاوه بر این تخمین زده می‌شود که حدود ۵۸۶ هزار نفر دارند. ۹۰ هزار تن پناهیوان افغانستانی از خارج از کشورشان بی‌جا شده‌اند که از این تعداد، ۹۰ هزار تن پناهیوان افغانستانی در پاکستان و ایران می‌زبان می‌شوند. پناهنده‌های افغانستانی در پاکستان هستند که بیش‌تر کارت آمایش دارند. در سال ۲۰۱۱ میلادی دولت ایران برنامه سرشماری از تمامی افغانستانی‌هاق فادک مدرک در ایران از حمله افرادی که به‌نازگی به دلیل تحولات افغانستن در ماه اگوست سال ۲۰۱۱ میلادی وارد ایران شده بودند.

نفر پرسوناثر از سایرین هستند. البته اکثریت سوری‌ها ۶۸ درصد) و افغان‌ها (۵۵ درصد)

تحت حمایت آلمان و اکثر ویتونلایی‌ها (۲۲ درصد) تحت حفاظت اسپانیا قرار گرفته‌اند. گزارش

یورولاست نشان می‌دهد که در سال ۲۰۲۲ در مجموع ۲۲۲ هزار و ۳۰۰ تصیم بدوی در مورد درخواست‌های پناهندگی به کشورهای عضو اتحادیه اروپا اتخاذ شده که ۴۹ درصد آن حاوی موافقت با اعطای وضعیت حمایتی و حفاظتی به ۳۱۰ هزار و ۴۰۰ پناهمو بوده است. همچنین، از میان ۲۱۸ هزار و ۲۶۰ تقاضای تجدیدنظر ۷۲ هزار و ۸۲۵ مورد یعنی معادل ۳۳ درصد آن به پذیرش درخواست پناهیوان منجر شده است. سوری‌ها (۹۲ درصد)، افغان‌ها (۸۵ درصد) و ویتونلایی‌ها (۷۶ درصد) بالاترین موفقیت را در دریافت راز برای موافق کشورها در نخستین بررسی صورت‌گرفته کمب کرده‌اند. پس از این سه کشور نیز ترکه‌ها (۳۶ درصد)، عراقی‌ها (۳۵ درصد)، نیرجه‌ای‌ها (۳۲ درصد)، پاکستانی‌ها (۱۵ درصد)، بلاروس‌ها (۱۱ درصد)، کمبلیانی‌ها و آلمان با ۲۱ درصد بالاتر سهم را داشته است. در میان اتباع کشورهای مختلف که پس از ارائه درخواست پناهندگی در سال ۲۰۲۲ تحت حمایت یکی از ۲۷ عضو اتحادیه اروپا قرار گرفته‌اند، سوم قرار گرفته‌اند و پس از آنها نیرجه‌ای‌ها (۳۲ درصد) و عراقی‌ها (۲۸ درصد) حضور دارند.

برای هر متقاضی رده‌شده یا تأمین مالی پشتیبانی عملیاتی مانند فراهم‌آوری زیرساخت‌ها و حمل‌ونقل را انتخاب کنند. دولتهای ویتنوز اوربان، نخست‌وزیر مجارستان و متاتوش مورولوستکی، نخست‌وزیر لهستان این تصمیم را «کودکانه» خوانند و خواستار این شدند که هر کار دیگری در جهت اتیان قوانین مربوط به مهاجرت تنها با «اجماع آرا» و به‌صورت «اولیانه» برانشته شود. اما فن درلاین روز دوشنبه با رد این درخواست، بر پایه معاهدات تأسیس اتحادیه اروپا گفت: «بخش‌های نخست و دوم میان مهاجرت و پناهندگی نیز بنا بر معاهدات اتحادیه اروپا، با اکثریت کیفی تصویب شده است و دیگر بخش‌ها نیز به همین منوال پیش خواهد رفت». او خاطرنشان کرد اتحادیه اروپا در «نقطه بحرانی» قرار دارد و تفسیری که در جو کنونی این اتحادیه به وجود آمده، «اصلاح قوانین مربوط به مهاجرت» را از هر زمان دیگری ضروری‌تر می‌کند. فن درلاین تأکید کرد: «ما می‌خواهیم یا هم به جلو حرکت کنیم». محافظت فرعی به افرادی تعلق می‌گیرد که شرایط لازم را برای به رسمیت شناخته‌شدن به عنوان پناهنده ندارند ولی اثبات شده که در صورت بازگشت به وطنشان با خطرات جدی مواجه خواهند شد.

## چند برش تاریخی از زندگی پناهندگان در ایران



شرق تا پایان ژوئن ۲۰۲۲، تعداد کل افرادی که در سراسر جهان به دلیل درگیری، خونوت، ترس از آزار و اذیت و نقض حقوق بشر مجبور به ترک خانه‌های خود شدند، ۱۰۳ میلیون نفر بود. این بیش از دو برابر ۴۲٫۷ میلیون نفری است که یک دهه پیش مساجار آواره شدند و بیشترین میزان از زمان جنگ جهانی دوم است. بر اساس آخرین آمار اعلام‌شده از سبوی دولت ایران، ۷۶۲ هزار پناهمو در ایران زندگی می‌کنند که از این تعداد ۷۵۰ هزار نفر افغان و ۱۲ هزار نفر عراقی هستند. به‌علاوه تخمین زده می‌شود که حدود ۵۸۶ هزار دارند یاسورست افغانستان یا ویزای ایران نیز در ایران زندگی می‌کنند. قابل درک است که برخی از دارندگان کارت آمایش پناهنده قبلی هستند. در سال ۲۰۲۲، دولت ایران تعداد کل اتباع افغان فاقد مدرک در ایران، از جمله افرادی را که به دنبال رویدادهای افغانستان در سال ۲۰۲۱ به ناگزری وارد ایران شده‌اند، بر عهده گرفت و از طریق آن حدود ۲٫۶ میلیون افغان ثبت‌نام کردند. به گفته ایران، ۵۰۰ هزار افغانستانی بدون مدرک در این شمار افراد شرکت نکرده‌اند. تخمین زده می‌شود که از زمان آشوب در افغانستان در اگوست ۲۰۲۱، در مجموع یک میلیون افغان به ایران گریخته‌اند که منجر به افزایش نیازهای حفاظتی بین‌المللی شده است. اسیران میزبان یکی از بزرگ‌ترین و طوفانی‌ترین موقعیت‌های پناهنده‌های شهری در جهان است و بیش از چهار دهه است که به پناهندگان پناه داده است. ۲۲ سال پس از تهاجم شوروی در ۱۳۷۹ و امواج خشونت‌آمیز متعاقب آن، آوارگی از افغانستان در طوفانی‌ترین وضعیت پناهیوان تحت فرمان کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد ادامه دارد. نزدیک به پنج میلیون افغان در خارج از کشور آواره هستند. از این تعداد ۹۰ درصد به میزبانای جمهوری اسلامی پاکستان و ایران است. پناهیوان تازه‌وارد افغانستان عمدتاً در محیط‌های شهری هستند که توسط جمعیت افغانستان در محل حمایت می‌شوند، در حالی که تعداد کمتری به طور موقت در مراکز ترانزیتی می‌زبان می‌شوند، در حالی راحل‌های طوفانی‌مدت سرباه توسط دولت و UNHCR و شرکای بشردوستانه در حال بررسی است. دولت ایران مسئول تأمین و تعیین وضعیت پناهندگان است. وضعیت حقوقی پناهندگان توسط دو سند بین‌المللی تعریف شده است: کنوانسیون ۱۹۵۱ مربوط به وضعیت پناهندگان و پروتکل ۱۹۶۷ آن. ایران در ۲۸ تیر ۱۳۵۵ به کنوانسیون ۱۹۵۱ و پروتکل ۱۹۶۷ آن را رعایت نماد. ۱۷ (استخدام مزدگیر)، ماده ۴ (امداد عمومی)، ماده ۲۴ (قانون کار و تأمین اجتماعی) و ماده ۲۶ ملحق شد. (آزادی حرکت). در سال ۲۰۲۲، تنها ۳۷۶ پناهنده به افغانستان و دو پناهمو به عراق بازگشتند - کاهش قابل توجهی که به دلیل وخامت امنیت در افغانستان توضیح داده شده است.



بعضی‌های دیگر هم کار می‌کنند و کمتر خرج می‌کردند. بی خانواده‌ای یادم آمد که بچه‌هایشان مثل بچه‌های افریقایی حالت اسکلتی گرفته بودند و سوزنغینه شدید داشتند».
رواج خشونت و همچنین شرایط سخت تردد از سروسایان شهر شراز باعث شد رزافشان بیش از دو سال نتواند زندگی در مهاجرتش سروسای را تحمل کند و به صرافت بیفتد که از آنجا خارج شوند. او دومین نفری بود که توانسته بود از ابتدای تأسیس مهاجرتش سروسای از آنجا عبور یابد. او پس از دوندگی‌های ایسار، توضیح بیاری سخت همسرش و نیاز به درد دادم به بیام‌رستان‌های میوزن نیز توانسته بود نظر مدیر کمپ و افسر کمیساریا را با خودش همراه کند. رزافشان با پیداکردن در شهر شیراز به کمک مددکاری شریف توانست کمپ را ترک کند. او و همسرش راهی شیراز شدند.
**بنت از کاشاک: سدی شیراز به سوی سعیده اصلی**
بیرون آمدن از کمپ، به‌معنای اخراج میهنشگی از کمپ است. رزافشان این موضوع را به خوبی می‌دانست. آنان در سعیده پناه خانهای اداره جهره، پیداکردن خانه و تجهیز آن با کمک مددکار که در همه این سال‌ها، همراه آنان بود، میسر شد. رزافشان در یک خربزه نزدیک به محل سکونتشان مشغول به کار شد. او در آنجا به بیروش کل تهیه میانه‌ها برای بچه‌ها، پخت کیک و فروش آن مشغول شد. زندگی اما برای یک زن که همسرش معلول است، بسیار دشوارتر است. او مجبور بود برای آنکه مردهای دیگر مزاحمتی برای او ایجاد نکنند، از نام مستعار استفاده کند.
«یک‌سری از افغان‌ها در آنجا زندگی می‌کردند که به محضی که می‌فهمیدن من افغان هستم و شهروم مرض است، برایم مزاحمت ایجاد می‌کردند. من آن زمان که در سعیده یا بچه‌ها کار می‌کردم، بچه‌ها من را با اسم دیگر صدا می‌زدند. به خاطر اینکه اسم کسی واقعی من را ندانند».
رزافشان به دلیل مزاحمت‌هایی که برای او ایجاد می‌کردند، از سعیده به محله‌ای دیگر در شیراز نقل مکان کرد.

**پناهندگی پناهندگی**
همسر رزافشان سال قبل از دنیا رفت. رزافشان هنگامی که همسرش در قید حیات بود، بارها درخواست پناهندگی به کشور ثالث را در کمیساریای پناهندگان ثبت کرده است. او امید داشت بتواند در کشوری دیگر روند درمان همسرش را پیش ببرد. پس از قوت همسرش، با درخواست پناهندگی او برای کشور انگلستان موافقت شد. در حال حاضر منتظر آمدن ویزایش است.
«من منتظر هستم که ویزای من بیاید. این حالت تعلیق خیلی سخت است. وقتی به سازمان مراجعه می‌کنم، می‌گویند دست ما نیست. دست سفارت انگلیس است. آلن خانه من را کسی دیگر آمد رهن کرد. من نمی‌دانم چقدر این شرایط طول می‌کشد، اما فکر می‌کنم باید از خانه بروم اما تکلیفم هنوز مشخص نیست».
بعد از ممنوع‌شدن حضور اتباع در راهدان، رزافشان به همراه همسرش راهی شیراز شد. ماه اولی که به شیراز آمدند باردار شد. پس‌ترش به دلیل نارسایی قلبی، چهار ماه پیش‌تر زنده نماند. همسرش نیز به دلیل فشار کاری و سیمیه ویلچر خوششان صرف نظر کردند. آن همان روزهایی که برای بچه‌ها کیک و حلوا می‌پختند. از همان روزهایی که در خانه‌شان به روی ما باز بود. همسرش با وجود درد بسیار که در سال‌ها کار طاقت‌فرسا با حقوق ناچیز را نمایان می‌کرد، با مهربانی‌ای که در چشم‌هایش موج می‌زد، می‌گفت: بخیر بایا صبا. از همان روزهایی که بایدن در پای همسرش غوغت کرد و رمق نیمه‌جان نشن را نیز گرفت.
کلمه پناهنده ظیف وسیعی از افراد را دربر می‌گیرد. این مصاحبه تلاش کوچکی است برای به‌تصویرکشیدن انسان‌های دیگر که آواره جگر نیستند و در این کشور به یاد آمده‌اند، بزرگ شدند، ازدواج کردند، بچه‌دار شدند، کار کردند و ویزایشان را به خاک سپردند. سیاست‌های ناعادله‌ا اما باعث شده است آنان به تصویر مرسوم از پناهندگان نزدیک شوند. در برخی موارد نادر توانمند پذیرش پناهندگی کشور ثالث را به دست بیآورند اما همچنان در حالتی از تعلیق به امید آمین روزهایی باشند که بتوانند خود و جهان افراشان را جدای از محل تولد ایجادشان بازدارند.

**پناهندگی پناهندگی**

همسر رزافشان سال قبل از دنیا رفت. رزافشان هنگامی که همسرش در قید حیات بود، بارها درخواست پناهندگی به کشور ثالث را در کمیساریای پناهندگان ثبت کرده است. او امید داشت بتواند در کشوری دیگر روند درمان همسرش را پیش ببرد. پس از قوت همسرش، با درخواست پناهندگی او برای کشور انگلستان موافقت شد. در حال حاضر منتظر آمدن ویزایش است.
«من منتظر هستم که ویزای من بیاید. این حالت تعلیق خیلی سخت است. وقتی به سازمان مراجعه می‌کنم، می‌گویند دست ما نیست. دست سفارت انگلیس است. آلن خانه من را کسی دیگر آمد رهن کرد. من نمی‌دانم چقدر این شرایط طول می‌کشد، اما فکر می‌کنم باید از خانه بروم اما تکلیفم هنوز مشخص نیست».
بعد از ممنوع‌شدن حضور اتباع در راهدان، رزافشان به همراه همسرش راهی شیراز شد. ماه اولی که به شیراز آمدند باردار شد. پس‌ترش به دلیل نارسایی قلبی، چهار ماه پیش‌تر زنده نماند. همسرش نیز به دلیل فشار کاری و سیمیه ویلچر خوششان صرف نظر کردند. آن همان روزهایی که برای بچه‌ها کیک و حلوا می‌پختند. از همان روزهایی که در خانه‌شان به روی ما باز بود. همسرش با وجود درد بسیار که در سال‌ها کار طاقت‌فرسا با حقوق ناچیز را نمایان می‌کرد، با مهربانی‌ای که در چشم‌هایش موج می‌زد، می‌گفت: بخیر بایا صبا. از همان روزهایی که بایدن در پای همسرش غوغت کرد و رمق نیمه‌جان نشن را نیز گرفت.
کلمه پناهنده ظیف وسیعی از افراد را دربر می‌گیرد. این مصاحبه تلاش کوچکی است برای به‌تصویرکشیدن انسان‌های دیگر که آواره جگر نیستند و در این کشور به یاد آمده‌اند، بزرگ شدند، ازدواج کردند، بچه‌دار شدند، کار کردند و ویزایشان را به خاک سپردند. سیاست‌های ناعادله‌ا اما باعث شده است آنان به تصویر مرسوم از پناهندگان نزدیک شوند. در برخی موارد نادر توانمند پذیرش پناهندگی کشور ثالث را به دست بیآورند اما همچنان در حالتی از تعلیق به امید آمین روزهایی باشند که بتوانند خود و جهان افراشان را جدای از محل تولد ایجادشان بازدارند.



می‌کردند. در بیشتر اردوگاه‌ها، انتظار می‌رفت که همه زندانیان بدون در نظر گرفتن سن و شرایط جسمی کار کنند. بچه‌ها وظیفه حمل آب، معام‌آوری میرم و معام‌آوری غذا را بر عهده داشتند. کار طاقت‌فرسا و هوای سخت آب‌وهوای اردوگاه‌ها را تحمل‌ناپذیر می‌کرد. زندانیان زیادی با اندک غذا یا مراقبت‌های پزشکی ره روز جان خود را از دست می‌دادند.
**ایجاد جدید از اسپانسان**
در جولای ۱۹۲۱، آلمان به اتحاد جماهیر شوروی حمله کرد و شوروی را مجبور کرد با متفقین متحد شود. در ۳۰ جولای ۱۹۲۱، ژنرال ولادیسلاو سیگورسکی، نخست‌وزیر تبعیدی لهستان، و ایوان ماسکی، سفیر شوروی در بریتانیا، قرارداد سیگورسکی-ماسکی را امضا کردند که بسیاری از شرایط سرزمینی پیمان مولوتوف-ریبنتروپ را باطل کرد.
توافق‌نامه جدید به برقراری مجدد دولت لهستان، عفو برای اسیران جنگی لهستانی در اتحاد جماهیر شوروی و در نهایت اجازه تشکیل ارتش لهستان در خاک شوروی را صادر کرد. ژنرال لهستانی ولادیسلاو آندرس که در اگوست ۱۹۴۱ از زندان بدنام لوپولسکا سکو آزاد شد، شروع به بسیج نیروهای مسلح لهستان در شرق (که معمولاً به‌عنوان ارتش آندرس شناخته می‌شود) برای مبارزه با نازی‌ها کرد.
با این حال، تشکیل ارتش جدید لهستان آسان نبود. بسیاری از اسیران جنگی لهستانی در اردوگاه‌های کار اجباری در اتحاد جماهیر شوروی جان باختند. بسیاری از کسانی که جان سالم به در بردند، از شرایط اردوگاه‌ها و سوءتغذیه بسیار ضعیف بود. از آنجایی که شوروی در جنگ با آلمان بود، غذا یا آذوقه کمی برای افرادی که توسط ارتش وجود داشت، بنابراین در پی حمله انگلیس و شوروی به ایران در سال ۱۹۴۱، شوروی موافقت کرد که بخشی از تشکیل لهستانی را به ایران تحلیه کند. پناهندگان غیرنظامی که عمدتاً زنان و کودکان بودند نیز از طریق دریای خزر به ایران منتقل شدند.

**ایران در پی تهاجم انگلیس و شوروی**
در اپن مدت ایران از نظر اقتصادی در رنج بود. پس از تهاجم، شوروی اتحاد پنج رخ به مناطق مرکزی و جنوبی کشور ممنوع کرد. ایران به‌تدریج مورد هادغیانی، حفطی و افزایش تورم بود. تبعیضات قومی کنترل راهان، ترانس ایران و روس‌های محلی، منقل، صنعت تولید و سایر منابع را برای جنگ در دست گرفتند. با وجود این مشکلات، ایرانیان علناً پذیرای پناهندگان لهستانی بودند و دولت ایران ورود آنها را به کشور تسهیل می‌کرد و آذوقه آنها را تأمین می‌کرد.

مدارس، سازمان‌های فرهنگی و آموزشی، غارها، نانواپی‌ها، شاعلا و مطبوعات لهستانی تأسیس شدند تا لهستانی‌ها احساس کنند بیشتر در خانه خود هستند.

در یکم سپتامبر ۱۹۴۳، نیروهای آلمانی به لهستان حمله کردند و ارتش لهستان را در عرض چند هفته شکست دادند. بیشتر غربی‌ترین قلمرو لهستان مستقیماً به رایش ضمیمه شد. بقیه مناطقی که با پیمان مولوتوف-ریبنتروپ بین اتحاد جماهیر شوروی و آلمان به آلمان واگذار شده بود، به اصطلاح دولت عمومی (General Government) تبدیل شد که از سوی اشغالگران آلمانی اداره می‌شد.
براساس پروتکل‌های مخفی پیمان، اتحاد جماهیر شوروی پس از شکست لهستان، بخش عمده‌ای از شرق لهستان را ضمیمه کرد. در نتیجه، میلیون‌ها لهستانی به با این دلیل که مناطقی که شوروی اشغال کرده بودند زندگی می‌کردند یا به این دلیل که به‌عنوان پناهنده از لهستان تحت اشغال نازی‌ها در شرق به این مناطق گریختند، تحت حاکمیت شوروی قرار گرفتند.

**پناهندگان لهستانی در ایران**

از سال ۱۹۴۲، شهر بندری پهلوی (آنزلی) به محل اصلی پناهندگان لهستانی تبدیل شد که از اتحاد جماهیر شوروی وارد ایران می‌شدند و روزانه دوازدهو ۵۰۰ پناهنده را پذیرا می‌شد. ژنرال آندرس ۷۴ هزار سرباز لهستانی ارجاع دادند تقریباً ۲۱ هزار تن پناهنده را که بسیاری از آنها کودک بودند. این افراد خلیه کرد، در مجموع بیش از ۱۱۶ هزار پناهنده به ایران منتقل شدند. تقریباً پنج هزار از شش هزار پناهنده لهستانی پهلوی بودند.

پناهندگان به دلیل دو سال بردباری و گرسنگی ضعیف شدند و بسیاری از مالاریا، تیفوس، تب، بیماری‌های تنفسی و بیماری‌های دیگر از گرسنگی رنج می‌بردند. پناهندگان پس از مدت‌ها کربسگی، آمیدم از غذا، تا آنجا که می‌توانستند خوردند و موابق فاجعه‌باری به دنبال داشت. چند دهه لهستانی که اکثرا کودک بودند، اندکی پس از ورود به ایران برا اثر اسهال خونی حاد ناشی از پرخوری جان خود را از دست دادند. تعداد زیادی از پناهندگان مدت کوتاهی پس از ورود به ایران بر اثر بیماری و سوءتغذیه جان خود را از دست دادند. بیشتر پناهندگان در قیرستان ارامنه دفن شدند.

پناهیوان پس از چند روز قهرنیتز در انبارهای نزدیک بندر پهلوی به تهران اعزام شدند. تعداد پناهندگان آنرا زیاد نبود که ساختمان‌ها و مراکز دولتی به اسکان آنها اختصاص داده شد. کارکنان ارتش ابتدا به مراکز آموزشی نزدیک کوهکاهی پس از خروج از عراق اعزام شدند. پس از آموزش، بیشتر سربازان لهستانی به نیروهای متفقین پیوستند که در مبارزات ایتالیایی می‌جنگیدند.
هزاران کودک از یتیم‌خانه‌های اتحاد جماهیر شوروی می‌آمدند به این دلیل که والدین‌شان مرده بودند یا در جریان تبعید از لهستان از هم جدا شده بودند. اکثر این کودکان در نهایت برای زندگی در یتیم‌خانه‌های اسفهان فرستاده شدند که دارای آب و هوای مناسب و منابع فراوان بود. به کودکان اجازه می‌داد تا از بیماری‌های بسیاری که در یتیم‌خانه‌های ضعیف در اتحاد جماهیر شوروی مبتلا شده بودند، بهبود یابند. بین سال‌های ۱۹۴۲ تا ۱۹۴۴، تقریباً دو هزار کودک از اسفهان عبور کردند، به قدری که آن را به طور خلاصه «شهر کودکان لهستانی» نامیدند.

بچه‌های دیگر را به پرورشگاه‌های مشهد فرستادند. مدارس متعددی برای آموزش زبان لهستانی، ریاضی، علوم و سایر دروس استاندارد به کودکان راه‌اندازی شد. در برخی مدارس زبان فارسی نیز همراه با تاریخ و جغرافیای لهستان و ایرانی تدریس می‌شد.
از آنجایی که ایران نمی‌توانست به طور دائم از هجوم گسترده پناهندگان مراقبت کند، سایر کشورهای تحت استعمار بریتانیا در ۱۹۴۴ شروع به دریافت آشنه‌ها از ایران کردند. کوبا و آفریقای جنوبی در میان سایر کشورها، دولت مرکزی نیز با پذیرش چندین هزار پناهنده موافقت کرد. تعدادی از پناهندگان لهستانی به طور دائم در ایران ماندند، برخی در نهایت با شهروندان ایرانی ازدواج کردند و صاحب فرزند شدند.

درحالی‌که بیشتر نشانه‌های زندگی لهستانی در ایران محو شده، تعداد کمی باقی مانده است. نزدیک به سه هزار پناهمو در چند ماه پس از ورود به ایران جان خود را از دست دادند و در گورستان‌ها دفن شدند و بسیاری از این مکان‌های دفن هنوز هم از سوی ایرانیان به‌خصوص مورد توجه قرار می‌گیرند. گورستان لهستانی در تهران با ۱۹۳۷ قبر اصلی‌ترین و بزرگ‌ترین محل دفن پناهندگان در ایران است. در این گورستان محوطه‌ای جداگانه متعلق به جامعه پهلوی تهران وجود دارد. هر یک از ۵۶ قبر یک ستاره دیوید را در فرنگ لغت و نام متوفی به زبان لهستانی نشان می‌دهد.